

## هفتم اکتوبر: سالروز حملات هوایی امریکا بر تاسیسات نظامی گروه طالب و القاعده

### - زمینه ساز برهه ی جدید در سر زمین هندوکش -

حملات دهشت افگنی (11 ام سپتامبر سال 2001) بر برج های دوگانهء مرکز تجارت جهانی در نیویارک و پنتاگون، نبض نظامی ایالات متحده امریکا در واشنگتن، اداره جورج دبلیو بوش، رییس جمهور تازه آن کشور را اغفال نمود. گروه محافظه کاران جدید و در را س آن بوش باید در قبال این بزرگترین "چالش تاریخی" با واکنش بی سابقه ای عمل میکردند. بتاريخ هفتم اکتوبر حملات هوایی امریکا بر تاسیسات نظامی گروه طالبان و پایگاه های دهشت افگنی شبکه القاعده در مغاره ها و شيله های افغانستان آغاز گردید. با این راهکار نظامی که بیانگر مبارزه گسترده علیه "تروریسم بین المللی" در آغاز سده بیست و یکم تلقی میگردد، صفحه جدیدی در روابط جهانی باز گردید.

### آمادگی های گسترده نظامی و دیپلماتیک امریکا

جورج بوش رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا بتاريخ 20 ام سپتامبر در بیانیه اش در کنگره آن کشور، شبکه القاعده را به عنوان یک سازمان تروریستی و اسامه بن لادن را عامل اصلی دهشت افگنی خواند. بوش در سخنرانی اش افزود که رهبری القاعده در افغانستان از نفوذ زیادی برخوردار بوده و رژیم طالبان از آن پشتیبانی مینماید.

زمانی که راهکار "زمین سوخته" و سیاست های "پاکسازی تباری و مذهبی" گروه طالبان در سرزمین هندوکش در هم آهنگی و همکاری با شبکه القاعده به کابوس غرب و بویژه به "خواب پریشان" امریکا مبدل گردید، سر نوشت نظام التقاطی نوع طالبی نیز سر از نو رقم زده شد. وقتی که بوش نه تنها اسامه بن لادن را عامل "تروریسم بین المللی" خواند، بلکه گروه ها و حکومت هایی را که از القاعده پشتیبانی مینمایند، به نوبه خود بمتابه "دشمن شماره یک" اعلام نمود، گروه طالبان و حامیان علنی و پشت پرده آنرا به عزا نشانند.

با وجود فشار های روز افزون پنتاگون بر رییس جمهور، وزارت امور خارجه امریکا به فرصت بیشتر نیاز داشت، تا همکاری کشور های مختلف به شمول حامیان رژیم طالبی، بویژه پاکستان و عربستان سعودی را جلب نموده و در زمینه از پشتیبانی گسترده "ایتلاف بین المللی" بر خوردار گردد. بالآخره پس از 26 روز، بتاريخ هفتم اکتوبر هواپیماهای نظامی ایالات متحده علیه زیرساخت های نظامی القاعده و طالبان در کوه پایه های هندوکش به غرش در آمدند

### دونالد رمسفلد (Donald Ramsfeld) وزیر دفاع امریکا بمتابه طراح ضربه کاری

بنا به اظهارات رمسفلد در حملات هوایی آنکشور در اوایل حملات چهل هوا پیمای نظامی، از جمله بم افکن های نوع B-52 مجهز به دستگا های ضد رادار، بمب افکن دوربرد نوع B-1 و B-2

52. سهم داشتند. ازین جمله دو هوا پیمای نوع B-2 از پایگا نظامی Whiteman در ایالت Missouri پرواز نموده و پس از زدن اهداف به پایگاه نظامی بریتانیای کبیر در Diego Garcia در بحر هند فرود آمدند. هواپیما های نوع B-1 و B-52. با ظرفیت های مواد سوخت برای فاصله های 9.800 و 14.000 کیلومتر، و توانایی حمل 30 تن جنگ افزار به نوبه خود از پایگاه Diego Garcia به پرواز در آمدند. همچنان 25 هواپیمای دیگر جنگی از ناوگان اتمی امریکایی USS Carl Vinson در خلیج فارس و USS Enterprise در بحیره عرب به حملات هوایی پرداختند. به اضافه آن 50 موشک نوع کروزر از چهار کشتی و دو زیردریای امریکا شلیک گردیدند. درین زمان در بحر هند از جمله این تاسیسات نظامی امریکایی و بریتانیای کبیر تمرکز یافته بودند: USS John Paul ، USS O'Brien ، USS Philippine Sea ، USS McFaul ، USS Providence و HMS Trafalgar..

### ورود نیرو های "اتحاد شمال" در کابل، بزرگترین دست آورد نظامی

در همکاری نزدیک با " ایتلاف شمال"، بمباران سنگین هوایی ایالات متحده در نقاط مختلف افغانستان منجر به آن گردید که شبه نظامیان طالبان، که در مظاهره سال 1995 در شهرک بن جمهوری فدرالی المان بنام "شیران ژیان" یاد شدند، بزودی مانند "بزدلان" شهر های بزرگ افغانستان را تخلیه کردند. ولی پیروان شبکه القاعد، که در قندز گرد آمده بودند، تا مدتی بیشتر سخت به مقاومت خویش ادامه دادند. با راندن گروه طالب بتاریخ نهم نومبر از شهر مزار شریف، طالبان دست و پاچه شده و در شب سیزدهم نومبر دارایی های بانک مرکزی کشور را به یغما برده و کابل را نیز ترک کردند. پس از شکست گروه طالب از هرات در غرب بتاریخ 12 نومبر و جلال آباد در شرق ، دو روز بعد، شبه نظامیان طالبان به قندهار، مقر ملا محمد عمر متمرکز شدند، بزودی از آنجا هم مجبور به فرار گردیدند. به اینترتیب گروه طالب با ده هزار ملیشه پاکستانی و پنج هزار جنگجوی القاعده بحیث عناصر بیگانه شهر های بزرگ افغانستان و هم عجالتاً کوه و برزن این سرزمین باستانی را ترک گفتند.

ورود نیرو های "ایتلاف شمال" در کابل، که با شور و شعف فراوان مردم جفا کشیده کناره های کوه آسمای و شیر دروازه همراه گردید، بزرگترین پیروزی نظامی تلقی میگردد، که بدون حملات هوایی امریکا باین ساده گی و بدون قربانی سنگین بمشکل تصور آن میرفت. دو روز قبل از سقوط پایتخت، جنرال محمد قسیم فهیم، بمثابه قوماندان اعلاى "ایتلاف شمال" اطمینان داده بود، که قوای تحت قومانده او در راستای پیشروی به طرف کابل از ورود در پایتخت اجتناب میورزد. در واقع پرویز مشرف، رییس جمهور پاکستان در پس پرده با امریکایی ها خواهان چنین چیزی شده بود. ولی ورود نیروی های "ایتلاف شمال" در کابل، که با ریش تراشی های نمایشی عوام بدرقه میشد، به ترتیبی توجیه گردید، که در غیر آن نظر به ایجاد "خلای قدرت" خطر در هم پاشی و هرج و مرج شهر را تهدید میکرد.

### پی آمد سیاسی حملات هوایی امریکا برای افغانستان

تصرف دوباره کابل بمثابه مرکز قدرت سیاسی تنها بیانگر پیروزی نظامی نبوده بلکه از اهمیت به سزای سیاسی نیز برخوردار بود. پیروزی های نظامی، اگر با راهیافت های سیاسی در خور شرایط همراه نگردند، بزودی با شکست مواجه میگردند. پس از تجارب تلخ تاریخی و تحت فشار های نرم بین المللی، نیرو های ذیدخل در "ایتلاف شمال" به این نکته تن در دادند، تا دست آورد نظامی خویش را در چارچوب "توافقات بن" با "صیقل سیاسی" آراسته سازند. در نتیجه به اساس توافقات حامد کرزی بر کرسی قدرت در کابل تکیه زد.

در اخیر راهکار سیاسی گروه حامد کرزی، رییس جمهور به آن منجر گردید، که یک قشر نازک اولیگارش‌ی مالی و سیاسی از شریط حاکم زیادتزین بهره برده و در مقابل توده های ملیونی با فقر و فاقگی دایمی دست و پنجه نرم مینمایند.

حامد کرزی، که از "قوه عدلیه" کشور بمثابه ابزار سیاسی در راه استحکام این قشر اولیگارش‌ی استفاده مینماید، با سرنوشت "قوه مقننه" کشور نیز بازی نموده و میخواهد این ارگان مهم نظام مردم سالاری را فلج نماید. کرزی در نظر دارد تا در راستای "پیمان های راهبردی"، به ویژه با ایالات متجده امریکا از طریق دایر کردن "لویه جرگه" مشروعیت سنتی بدهد. نظر به فقدان تفکر سالم ملی، عدم شفافیت اهداف راهبردی و ترس مزمن از آراء و افکار دگر اندیشان، دفتر سیاسی کرزی قصد دارد تا فعالیت های نظامی را که با حملات هفتم اکتوبر آغاز گردید، از طریق ایجاد پایگاه ها به "حضور دایمی" تبدیل نماید. از همین جاست که دفتر سیاسی آقای کرزی تلاش میورزد تا صلاحیت و کفایت "شورای ملی" متشکل از "ولسی جرگه" و "مشرانو جرگه" را به حیث نمایندگان مردم کشور نادیده گرفته و در سده بیست و یکم به "جرگه ساخته و بافته خودش" پناه میبرد.